

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقریرات درس خارج اصول

### حضرت آیت الله سید محمد رضا مدّسی طباطبائی نرودی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۱۰۳ - شنبه ۹۲/۳/۱۱

#### نقد و بررسی کلام برخی از معاصرین در دفاع از شیخ انصاری رحمته الله

در کلام محقق عراقی رحمته الله بیان شد هرچند ملاقی مفقود شده و اکنون مورد ابتلاء نیست ولی نجاست ملاقی از آثار نجاست ملاقی است و اکنون مورد ابتلاء می‌باشد، لا محاله به این اعتبار می‌توانیم بگوییم بر ملاقی نیز اثر مترتب است و در نتیجه اصل مؤمن موضوع پیدا می‌کند. لذا اینکه گفته شد اصالة الطهارة در ملاقی چون خارج از ابتلاء است و حکم آن یک حکم وضعی است جاری نمی‌شود، بلا دلیل است؛ زیرا اگر اصالة الطهارة در ملاقی جاری گردد و معارضی نداشته باشد نتیجه‌ی آن طهارت ملاقی است و لذا اگر نوشیدنی باشد قابل شرب و اگر پوشیدنی است در نماز قابل استفاده است. بنابراین اصالة الطهارة در ملاقی مفقود، به اعتبار آثار ملاقی که تابع ملاقی است جاری می‌باشد و در نتیجه اصل ملاقی با اصل در طرف دیگر یعنی ظرف «ب» معارضه می‌کند و علم اجمالی منجز خواهد بود و علم اجمالی دوم یعنی علم به نجاست ملاقی یا اناء «ب» علم اجمالی منجز نخواهد بود.

همچنین فرضاً اگر اصالة الطهارة در ملاقی بدون معارض جاری باشد باید گفت ملاقی پاک است و نتیجه این‌گونه خواهد شد که از هیچ‌کدام از ملاقی و طرف ملاقی اجتناب لازم نیست.

#### اشکال دوم بعض معاصرین<sup>۱</sup>

این اشکال مربوط به خصوص قاعده‌ی طهارت است نه هر اصل مؤمنی. ظاهر دلیل قاعده‌ی طهارت آن است که زمانی حکم به طهارت می‌شود که شک متحقق باشد و به تعبیر دیگر ظرف حکم به طهارت،

۱. منتقى الاصول، ج ۵، ص ۱۷۳.

فعلیت شک در طهارت و نجاست است و طبق یک قاعده‌ی کلی هر حکمی فقط در ظرف فعلیت موضوع خود، فعلی می‌گردد. بنابراین دلیل قاعده‌ی طهارت نمی‌تواند اثبات حکم (طهارت) سابقه برای اناء در زمان سابق کند و به تعبیر دیگر طهارت سابقه را برای اناء در همان زمان سابق ثابت کند؛ به دلیل آنکه مقام اثبات با چنین استنتاجی همراه نیست.

**نتیجه آنکه** در ما نحن فیه که اناء «الف» معدوم شده است و سپس علم اجمالی به نجاست «الف» یا «ب» حاصل می‌شود، قاعده‌ی طهارت نمی‌تواند الآن حکم به طهارت اناء معدوم فعلی در همان زمان سابق کند؛ زیرا در آن زمان شکّی وجود نداشته است و شک، اکنون فعلیت یافته و دلیل نمی‌تواند شکّی را که الآن پدید آمده است موضوع حکم به طهارت اناء معدوم در همان زمان کند با آنکه در آن زمان شک فعلیت نداشته است.

نباید گفته شود شکّ متأخر، شرط طهارت متقدّم است به نحوی که در موارد دیگر شرط متأخر وجود دارد، که چنین کلامی مثبت ندارد. بنابراین اثبات طهارت برای ملاقی<sup>۱</sup> که الآن معدوم است، به اعتبار ظرف وجودش صحیح نیست و در نتیجه نمی‌توانیم حکم کنیم حین ملاقات، ملاقی<sup>۱</sup> ظاهر بوده است.

و در تأکید این مطلب بیان می‌کنند که نباید گمان شود ما نحن فیه عکس واجب معلق است؛ یعنی طهارت در سابق بوده و شرط آن مربوط به الآن است؛ زیرا بر فرض معقولیت این احتمال، در اثبات طهارت ملاقی سودمند نیست؛ زیرا آنچه سودمند است اثبات طهارت در ظرف ملاقات است اما اثبات طهارت بعد از آن سودی ندارد.

آری، اگر به جای اصالة الطهارة استصحاب طهارت جاری باشد می‌توان با آن حکم به طهارت معدوم نیز کرد؛ زیرا استصحاب با قاعده‌ی طهارت فرق دارد و ما حتی استصحاب استقبالی را نیز قبول داریم و می‌توانیم چیزی را که الآن موجود است به عموم یا اطلاق ادله‌ی استصحاب تا آینده محکوم به وجود بدانیم، با آنکه اکنون آن مستصحب معدوم است.

بنابراین اگر کسی لباسی را در آبی بشوید در حالی که از نجاست و طهارت آب غفلت دارد و آن آب مفقود شود و اکنون شک کند آن آب حین غسل پاک بوده یا خیر، سه حالت برای آب متصور است:

**حالت اول:** یا آن آب دارای حالت سابقه‌ی طهارت است که با استصحاب طهارت، محکوم به طهارت خواهد بود و آن لباس نیز پاک خواهد بود.

**حالت دوم:** یا آنکه آب دارای حالت سابقه‌ی نجاست بوده است و استصحاب نجاست جاری است و لباس نیز محکوم به نجاست است.

**حالت سوم:** آن است که حالت سابقه‌ی آب معلوم نیست؛ یا به خاطر جهل و یا به خاطر توارد حالتین. در این صورت طبق بیان فوق، قاعده طهارت جاری نیست به دلیل آنکه شک، اکنون فعلیت می‌یابد و نمی‌توان با شک فعلی اثبات کرد چیزی که الآن معدوم است در ظرف خودش ظاهر بوده است؛ به دلیل آنکه دلیل قاعده‌ی طهارت و استصحاب متفاوتند و لامحاله در آن صورت چون قاعده‌ی طهارت جاری نیست نوبت به استصحاب نجاست لباس مغسول می‌رسد و لباس، محکوم به نجاست است.

## نقد و بررسی اشکال دوم

به نظر می‌رسد مستشکل، قاعده‌ی طهارت را به حسب اجزاء زمان به افرادی منحل نموده است و زمان را در آن قاعده دخالت داده است، در حالی که صحیح نیست؛ زیرا طهارت مربوط به ذات مشکوک است و زمان قبل و بعد تأثیری ندارد. آری، از آنجا که «زمانی» هستیم شک ما در زمان واقع می‌شود، اما این زمان در حقیقت شک و طهارت شیء نقشی ندارد، لهذا زمانی که کسی در حال غفلت بوده و لباس را شسته است، چون مشکلی نبوده است قاعده‌ی طهارت نیز نبوده است و بعد از مفقود شدن شیء با فعلیت شک، چون این شک، شک ساری است و زمان نیز دخالتی ندارد، در حقیقت شک که موضوع است موجود است و حکم آن بالطبع مترتب خواهد شد و هیچ تفاوتی با استصحاب ندارد و همان‌گونه که گفته می‌شود: «لا تنقض الیقین بالشک ابداً» و حالت سابقه تا زمان حال استصحاب می‌شود و اگر شک ما در زمان فعلی حادث شده باشد ولی مشکوک در زمان سابق باشد و مفقود باشد، مانعی ندارد متیقن را تا حال استصحاب کنیم، در قاعده‌ی طهارت نیز این‌گونه است؛ «کل شیء طاهر» اثبات می‌کند هر شیء مشکوک ولو آنکه آن شیء مشکوک الآن معدوم باشد، در ظرف فعلیت خودش ظاهر است؛ نظیر اجازه در عقد فضولی بنابر اینکه اجازه کاشف باشد ولو حکماً؛ یعنی از الآن اجازه کاشف از صحت بیع حکماً از اول است. مانحن فیه نیز این‌گونه است که الآن حکم می‌کنیم آن آبی که غسل با آن صورت گرفته است پاک بوده است.

در نتیجه دو اشکال بعض معاصرین مندفع است و اشکال محقق بر شیخ تثبیت می‌شود و در صورتی که حتی ملاقی مفقود شود و علم اجمالی به نجاست نیز بعداً حاصل شود اجتناب از ملاقی لازم نیست و تنها اجتناب از طرف ملاقی کافی است.

برخی در این بحث فروع دیگری را که به طور نادر اتفاق می‌افتد مطرح کرده‌اند که ما به آنها نمی‌پردازیم و کلام در آنها با مباحث قبلی روشن می‌شود.

مقرر: سید حامد طاهری